

فقه فناوری اطلاعات و ارتباطات

حریم خصوصی

جلسه پانزدهم : حکم حریم خصوصی، بحث روایی

۹۲/۱۲/۵

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۶- نهی از سرک کشیدن به منزل همسایه

و نَهَى أَنْ يَطَّلَعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ - مَلْعُونٌ مَنْ اَطَّلَعَ عَلَى جَارِهِ

- اما آیا کشوی میز یا قفسه شخصی اتاق هنگامی که دو تن در یک اتاق یا حجره زندگی می‌کنند را نیز شامل می‌شود؟ مثلاً وقتی خسرو درون کشوی بابک در یک اتاق مشترک عکس خصوصی او را بدون رضایتش مشاهده کند، اطلاعی از بابک بدون اجازه او کسب کرده است.

- شمول در حدیث اول نیازمند الغای خصوصیت از خانه و از همسایه به بیانی که گذشت، است. اما شمول در حدیث سوم فقط نیازمند الغای خصوصیت از همسایه است که گفتیم مشکل خاصی ندارد. ولی در اینجا از جهت دیگری حدیث سوم دارای مشکل است؛ در حدیث سوم نهی روی اطلاع از خود شخص رفته بخلاف حدیث اول که متعلق نهی اطلاع در خانه است. شاید بتوان گفت که حدیث سوم جایی صادق است که نوعی مواجهه بین دو تن صورت بگیرد مثلاً یکی دیگری را ببیند ولی در حدیث اول مواجهه طرفینی لازم نیست بلکه همین که یکی به خانه دیگری سرک بکشد ولو با کسی مواجه نشود کار حرامی انجام داده است. در این حالت احتمال توسعه شمول حدیث اول به مواردی چون کشوی میز یا قفسه شخصی بیشتر از حدیث سوم است. چون حدیث سوم تصریح دارد که باید اطلاع از شخص همسایه حاصل شود بخلاف حدیث اول که صدق اطلاع در خانه کافی است.

- خلاصه آن که از هیچ یک از دو حدیث نمی‌توان حرمت اطلاع از کشوی میز یا قفسه شخصی هم‌اتاقی یا هم‌حجره‌ای یا افراد داخل خانه را ثابت کرد.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۶- نهی از سرک کشیدن به منزل همسایه

و نَهَى أَنْ يَطَّلَعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ - مَلْعُونٌ مَنْ اطَّلَعَ عَلَى جَارِهِ

-سوم، حریم خصوصی ارتباطاتی: آنچه مربوط به ارتباطات درون خانه است از اطلاق نهی در این حدیث فهمیده می‌شود ولی حرمت آگاهی از ارتباطات دوستی که در خارج از خانه تحقق می‌یابد مثل این که او در بازار یا محل کار با چه کسانی دوست است و با چه کسانی دوست نیست. از اطلاق این آیه استفاده نمی‌شود.

-بعید نیست هر ارتباط دیگری که در خانه محقق می‌شود نیز ملحق به حکم این حدیث باشد مثل ارتباطاتی که بین فامیل و دوستان نزدیک که در خانه مراوده دارند شکل گرفته است. تا آنجا که تحقق و تداوم این ارتباطات در خانه شکل می‌گیرد نهی در حدیث شامل آنها نیز می‌شود.

-اما همان طور که قبلاً گفته شد استفاده حرمت تصرفاتی همچون حضور، تماس و معیت با اهل خانه و دوستانش از این حدیث مورد تردید است. چون عرفاً بر این گونه تصرفات اطلاق اطلاع نمی‌شود. هر چند این نوع تصرفات ملازم با اطلاع باشند. چون باید توجه داشت که مراد از اطلاع در این احادیث سرک کشیدن و کسب اطلاع به صورت حضور فیزیکی مثل بالای خانه است نه مراوده با اهل خانه با ورود از درب منزل یا فضولی کردن در اوضاع و احوال منزل دیگری. البته قبلاً دیدیم که از ورود و حضور بدون اجازه در منزل دیگران با ادله دیگری نهی شده است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی: روایت ۶- نهی از سرک کشیدن به منزل همسایه

و نَهَى أَنْ يَطَّلَعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ - مَلْعُونٌ مَنْ أَطَّلَعَ عَلَى جَارِهِ

- چهارم، حریم خصوصی افعالی: افعالی که ظرف تحقق آنها خانه است داخل در منطوق آیه است. اما افعال دیگر از منطوق آیه خارج است.
- همچنین در همه مواردی که آگاهی از آن حرام است به طریق اولی نشر اطلاعات آن نیز حرام است. چون نشر اطلاعات موجب اطلاع عده‌ای دیگر نسبت به خانه غیر است در حالی که در حدیث از این اطلاع نهی شده است.
- از سوی دیگر این حدیث نشان می‌دهد نصب دوربین یا استراق سمع برای اطلاع از داخل خانه نیز حرام است. و ممکن است بگوییم که این نیز مصداقی از اطلاع است و با منطوق حدیث نهی شده است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می کشد یا جواز کور کردن او

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ قَتَلَهُ الْخُدُّ فِي الْقِصَاصِ فَلَا دِيَّةَ لَهُ وَ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ عَدَا عَلَى رَجُلٍ لِيَضْرِبَهُ فَدَفَعَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَجَرَحَهُ أَوْ قَتَلَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ أَطْلَعَ عَلَى قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَفَقَّقُوا عَيْنَيْهِ أَوْ جَرَحُوهُ فَلَا دِيَّةَ لَهُ وَ قَالَ مَنْ بَدَأَ فَاعْتَدَى فَاعْتَدَى عَلَيْهِ فَلَا قَوْدَ لَهُ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۹۰-۲۹۱ و التهذيب ج ۱۰ ص ۲۰۶)

- قود به معنای قصاص یا کشتن قاتل به دلیل قتل است. فقاً به معنای شکافتن است.
- سند حدیث: صحیح است.

- دلالت حدیث: نفی دیه از چشم‌چرانهای از خانه دلالت بر آن دارد که آنان مرتکب حرام هستند. به ویژه آن که در صدر و ذیل حدیث کلمات عدا و اعتدی بکار رفته که بر ظلم به دیگران دلالت دارد.

- منظور از عوراتهم معنای اعم است یعنی زشتی‌های آنها که موجب شرم شود و شامل تن و بدن نامحرم و شرمگاه نیز می‌شود. همچنین ممکن است منظور معنای اخص عورة به معنای شرمگاه باشد. این احتمال بعید است چون نظر به خانه دیگران معمولاً منجر به اطلاع از عورت به این معنا نیست چون معمولاً افراد حتی در خانه نیز شرمگاه خود را می‌پوشانند. ولی ممکن است منظور از عورات یک معنای متوسط باشد یعنی هر جایی از بدن که نگاه به آن حرام است مثل سر و موی زنان قرینه متقنی بر این معنای اخیر وجود ندارد و عمومیت معنای عورت و کاربردهای آن در کلام عرب به احتمال اول نزدیکتر است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۲- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا اطَّلَعَ رَجُلٌ عَلَى قَوْمٍ يُشْرِفُ عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مِنْ خَلَلِ شَيْءٍ لَهُمْ فَرَمَوْهُ فَأَصَابُوهُ فَقَتَلُوهُ أَوْ فَتَقَتُوا عَيْنَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ غُرْمٌ وَ قَالَ إِنَّ رَجُلًا اطَّلَعَ مِنْ خَلَلِ حُجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ص بِمِشْقَصٍ لِيَفْقَأَ عَيْنَهُ فَوَجَدَهُ قَدْ انْطَلَقَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَيُّ خَيْثُ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ ثَبَتَ لِي لَفَقَأْتُ عَيْنَيْكَ. (الكافي، ج ۷، ص ۲۹۱؛ التهذيب، ج ۱۰، ص ۲۰۷)

در سند حدیث تعلیق وجود دارد و اصل آن بوده

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ...

بنابر این سند حدیث صحیح است. محمد بن عیسی بن عبید بحث در توثیقش قبلاً گذشت. دلالت حدیث: تجویز قتل و درآوردن چشم بدون حق دیه ملازم با شدت حرمت نقض این نوع حریم خصوصی است. این روایت اطلاق دارد و مقید به رؤیت عورات نیست. بنابر این محارم و همجنسان را نیز شامل می‌شود. همچنین حتی حالت سرپوشیده و محجبه را نیز شامل می‌شود. بدیهی است این اطلاق حمل بر مقید در حدیث قبل نمی‌شود چون متوافقی هستند. در این حدیث کلمه عورات نیامده است و احتمال این که حکم مخصوص نگاه عورات به معنای شرمگاه باشد در این حدیث منتفی است ولی دو احتمال دیگر باقی است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۳- وَ رَوَى الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أَطَّلَعَ عَلَى قَوْمٍ لِيَنْظُرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَقَتَلُوهُ أَوْ جَرَحُوهُ أَوْ فَقَتُّوا عَيْنَهُ فَقَالَ لَا دِيَّةَ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَطَّلَعَ رَجُلًا فِي حُجْرَتِهِ مِنْ خِلَالِهَا فَجَاءَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص بِمَشْقَصٍ لِيَقْفَأَ بِهِ عَيْنَهُ فَوَجَدَهُ قَدْ انْطَلَقَ فَنَادَاهُ يَا خَبِيثُ لَوْ ثَبَتَ لِي لَفَقَأْتُ عَيْنَكَ بِهِ. (من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۱۰۲)

-سند روایت مرسل است ولی معروف است که او کتابی داشته که واسطه در نقلش الحسین بن سعید است بعید نیست که کتاب او از طریق الحسین بن سعید به دست شیخ صدوق رسیده باشد و به همین جهت مرحوم صدوق به صورت معلوم روایت را به او اسناد داده است و طریق خود را به او در مشیخه ذکر نکرده است. در هر حال این احتمالات موجب صحت روایت نیست.

-دلالت حدیث مشابه حدیث اول است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:

۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۴- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبيدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ اطَّلَعَ رَجُلٌ عَلَى النَّبِيِّ ص مِنَ الْجَرِيدِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَثْبُتُ لِي لَقُمْتُ إِلَيْكَ بِالْمِشْقَصِ حَتَّى أَفْقَأَ بِهِ عَيْنَكَ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ أَ ذَاكَ لَنَا فَقَالَ وَيْحَكَ أَوْ وَبَيْتِكَ أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص فَعَلَ تَقُولُ ذَلِكَ لَنَا. (الكافي، ج ۷، ص ۲۹۲-۲۹۳؛ التهذيب ج ۱۰، ص ۲۰۸)

-جريد شاخه‌های درخت خرماسست وقتی برگهای آن را بریده باشند. مشقص نوک پیکان تیر را گویند. ذیل حدیث به این معناست که وقتی رسول خدا ص کاری را انجام دهند حتماً بر ما هم مجاز است. اما احتمال بعیدی هم هست که عکس مراد باشد. یعنی رسول خدا ص مجاز بوده که چنین کند نه شما. این احتمال به دلیل روایت آتی که تصریح به خلاف کرده منتفی است.

-سند روایت صحیح است ابو علی الاشعری نامش احمد بن ادریس و از مشایخ کلینی است. بقیه روات همه از اجلاء ثقات هستند.

-دلالت حدیث نیازمند انضمام روایات دیگر است چون از این حدیث معلوم نمی‌شود که آیا حضرت صرفاً در مقام تهدید بوده یا قصد عمل هم داشته است. شاید این تهدید مثل تهدیدهای تربیتی باشد که معمولاً مرییان بدان عمل نمی‌کنند. با ضمیمه کردن ادله دیگر روشن می‌شود که صدمه زدن به چشم‌چرانهای منزل مجاز است.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي حُجْرَاتِهِ مَعَ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ وَ مَعَهُ مَغَازِلُ لَهُ يَقْلِبُهَا إِذْ بَصُرَ بِعَيْنَيْنِ تَطْلِعَانِ فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَثْبُتُ لِي لَقُمْتُ حَتَّى أَبْخَسَكَ فَقُلْتُ نَفَعَلُ نَحْنُ مِثْلَ هَذَا إِنْ فَعِلَ مِثْلُهُ بِنَا قَالَ إِنْ خَفِيَ لَكَ فَافْعَلْهُ. (الكافي ، ج ۷ ، ص ۲۹۳)

- ابخسک یعنی چشم تو را در می‌آورد. روات حدیث همه از ثقاتند. حماد بن عیسی الجهنی از اصحاب اجماع است. الحسین بن المختار: ابن داود او را ضعیف دانسته در مقابل ابن عقده او را توثیق کرده است. او گرچه واقفی مسلک بوده ولی نقل اصحاب اجماع از او دلالت بر توثیق عام او دارد. عبید بن زراره پسر زراره بن اعین و از اجلاء اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است.

-ظاهر این حدیث روشن است که جواز قلع عین منوط به نگاه کردن به عورت به معنای شرمگاه نیست چون حضرت در حال نخ‌ریسی بوده‌اند. ولی احتمال دوم و سوم در معنای عورت هر دو در اینجا مجاز است بلکه از آنجا که معمولاً خانمها در خانه سر و روی خود را نمی‌پوشانند بعید نیست که به این قرینه جواز صدمه به چشم‌چران را مخصوص جایی بدانیم که سر و روی خانم خانه ناپوشیده باشد. ولی از آنجا که در حدیثهای قبلی اشاره‌ای به خانمها نبود بلکه برخی ظهور در اطلاع بر نبی داشت، این قید نمی‌تواند اطلاق موافق روایات دیگر را مقید کند.

-همچنین در ذیل حدیث راوی سؤال می‌کند که آیا ما نیز می‌توانیم همین رفتار را انجام دهیم حضرت جواب می‌دهد اگر مخفیانه نگاه می‌کرد می‌توانید. این بیان احتمال این که این فعل از اختصاصات نبی (صلی الله علیه و آله) باشد را نفی می‌کند.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۵- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي حُجْرَاتِهِ مَعَ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ وَ مَعَهُ مَغَازِلُ لَهُ يَقْلِبُهَا إِذْ بَصُرَ بِعَيْنَيْنِ تَطْلِعَانِ فَقَالَ لَوْ أَعْلَمُ أَنَّكَ تَثْبُتُ لِي لَقُمْتُ حَتَّى أَبْخَسَكَ فَقُلْتُ نَفَعُلْ نَحْنُ مِثْلُ هَذَا إِنْ فَعِلَ مِثْلُهُ بِنَا قَالَ إِنْ خَفِيَ لَكَ فَاَفْعَلْهُ. (الكافي ، ج ۷ ، ص ۲۹۳)

-نکته‌ای که در این حدیث وجود دارد دلالت این امر است که جواز صدمه به چشم‌چران وقتی است که علم به ثبوت و دوام ایستادن او باشد. این نکته موافق اجماع اصحاب است که فتوا داده‌اند که ابتدا باید مطلع را زجر کرد اگر نرفت و بر نگاه کردن اصرار داشت می‌توان به او صدمه زد به عبارت دیگر فقها زجر را مقدم بر صدمه، لازم می‌دانند و گفته‌اند اگر بدون زجر به صدمه زدن اقدام کند ضامن است. (جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۶۶۰-۶۶۱) بنابر این می‌توان گفت که این حدیث مستند فقهای پیشین برای فتوا بوده و آن چنان که صاحب جواهر ادعا می‌کند نیست که جز اجماع دلیل دیگری موجود نباشد.

بررسی ادله لفظی حرمت حریم خصوصی:
۷- نفی دیه از کسی که به منزل دیگری سرک می‌کشد یا جواز کور کردن او

۶- رَوَى حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي بَعْضِ حُجَرَاتِهِ إِذَا اطَّلَعَ رَجُلٌ فِي شِقِّ الْبَابِ وَبِيدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مِذْرَاقًا فَقَالَ لَوْ كُنْتُ قَرِيبًا مِنْكَ لَفَقَّأْتُ بِهِ عَيْنَكَ. (من لايحضره الفقيه، ج ۴ ص ۱۰۱؛ قرب الاسناد، ص ۱۸)

-مِذْرَاقًا به معنای چنگال دوشاخه است که برای جدا کردن گندم از کاه بکار می‌رود در برخی نسخه‌های کتاب و نیز در کتاب قرب الاسناد مِذْرَاقًا آمده که به معنای نوعی شانه است و این دومی اقرب است.
-طریق صدوق به حماد بن عیسی صحیح و خود حماد نیز از اصحاب اجماع است. بنابر این سند صحیح است. دلالت حدیث نیز مشابه حدیث قبل است.

بررسی ادله لفظی حرمت حريم خصوصي:
۷- نفی ديه از کسی که به منزل دیگری سرک می کشد یا جواز کور کردن او

۶- رَوَى حَمَّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي بَعْضِ حُجَرَاتِهِ إِذَا اطَّلَعَ رَجُلٌ فِي شِقِّ الْبَابِ وَبِيدِ رَسُولِ اللَّهِ ص مِذْرَاءً فَقَالَ لَوْ كُنْتُ قَرِيباً مِنْكَ لَفَقَأْتُ بِهِ عَيْنَكَ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۴ ص ۱۰۱؛ قرب الاسناد، ص ۱۸)

در روایاتی از اهل سنت آمده که در یک مورد نام فردی که بر خانه رسول خدا مشرف شد الحکم بن ابی العاص بوده که پدر مروان بن حکم بوده و پیامبر هر دو را لعن کرده اند:

۹۹۶ وَ رَوَى الطَّبْرِيُّ فِي تَارِيخِهِ وَ الْوَاقِدِيُّ وَ عَامَّةُ رُوَاةِ الْحَدِيثِ أَنَّ الْحَكَمَ بْنَ أَبِي الْعَاصِ كَانَ سَبَبَ طَرْدِهِ وَ وُلْدِهِ مَرْوَانَ حِينَ طَرَدَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَّ الْحَكَمَ اطَّلَعَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمًا فِي دَارِهِ مِنْ وَرَاءِ الْجِدَارِ وَ كَانَ مِنْ سَقْفٍ - فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِقَوْسٍ لِيُزِمِيَهُ فَهَرَبَ

۹۹۷ وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ قَالَ لِلنَّبِيِّ فِي قِسْمَةِ خَيْبَرَ اتَّقِ اللَّهَ يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ص لَعَنَكَ اللَّهُ وَ لَعَنَ مَا فِي صُلْبِكَ أ تَأْمُرُنِي بِالتَّقْوَى وَ أَنَا جِئْتُ بِهِ مِنَ اللَّهِ لَعَنَكَ اللَّهُ اخْرُجْ فَلَا تُجَاوِرُنِي فَلَمْ يُرَيَا إِلَّا طَرِيدَيْنِ حَتَّى مَلَكَ عُثْمَانُ فَأَدْخَلَهُمَا (عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، النص، ص: ۴۷۲-۴۷۳)

و الحمد لله رب العالمين